

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
یادداشت ناشر.....	۹
یادداشت دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.....	۱۱
سخن مترجم.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۹
تقدیر و سپاس.....	۲۷
بهره نخست: آیین چیست؟.....	۲۹
۱ - توصیفات و راهبرد تعریفی.....	۳۱
۱ - ۱ - تأثیر شعائر، مراسم و اشکال آیینی دیگر بر زندگی اجتماعی.....	۳۱
۱ - ۲ - نظم نمادین آیین؛ اجزاء ترکیب‌کننده تقریباً تمامی کنش‌های اجتماعی.....	۳۲
۱ - ۳ - آیین به عنوان اسم و صفت.....	۳۳
۱ - ۴ - راهبرد تعریفی.....	۳۴
۲ - تعاریف.....	۳۷
۲ - ۱ - اصطلاحات عمومی تعریف.....	۳۸
۳ - پنج مفهوم ناکارآمد.....	۷۱
۳ - ۱ - عادت و روزمره.....	۷۱
۳ - ۲ - تظاهر (اجرای) غیرصمیمانه در ملاء عام.....	۷۴
۳ - ۳ - همایش پوچ.....	۷۶
۳ - ۴ - زیاده‌روی‌های سبکی، نمادین یا هنری.....	۷۷

- ۳- ۵- آیین = اسطوره = ایدئولوژی = دروغ‌گویی یا درهم ریختگی..... ۸۰
- ۴- چهار مفهوم که فقط تا حدودی گویا هستند..... ۱۳
- ۴- ۱- مفهوم اتولوژیکال (عادات و رسوم‌شناسی)..... ۸۳
- ۴- ۲- مفهوم فرویدی..... ۸۹
- ۴- ۳- مفهوم عاطفه و همبستگی..... ۹۱
- ۴- ۴- مفهوم حفظ وضع موجود..... ۹۳
- ۵- برخی مسائل ویژه در مطالعه آیین..... ۹۹
- ۵- ۱- تغییر اجتماعی..... ۹۹
- ۵- ۲- ابداع آیین‌ها..... ۱۰۷
- ۶- نظریه ارتباطات و مسائل آیینی..... ۱۱۱
- ۶- ۱- آیین‌های شکی ارتباطاتی است..... ۱۱۱
- ۶- ۲- تمهیدات ارتباطاتی، ساز و کارهای مؤثری برای آیین..... ۱۱۲
- ۶- ۳- اثرات نظم بخشی آیین، موضوعی برای ارتباطات..... ۱۱۳
- ۶- ۴- کارآمدی نمادین کارآمدی حقیقی است..... ۱۱۵
- ۶- ۵- واقعیت اجتماعی ساخته شده، واقعیت واقعی است..... ۱۱۷
- ۶- ۶- آیین در محدودیت‌های اثربخشی ارتباطاتی شکی قوی است..... ۱۱۹
- ۶- ۷- نمادیت و عمومیت..... ۱۲۰
- ۶- ۸- مادیت و شاخصیت..... ۱۲۳
- ۶- ۹- ارجاعات پیشین و پسین..... ۱۲۶
- ۶- ۱۰- مسئله رابطه شاهد و تماشاگر، آیین و نمایش..... ۱۲۷
- ۶- ۱۱- موقعیت‌های پدیداری متون آیینی در محیط عمل کنشگر..... ۱۳۰
- ۶- ۱۲- برخی پیامدهای موقعیت‌های پدیداری ویژه آیین..... ۱۳۳
- بهره دوم: آیین در پژوهش ارتباطات..... ۱۳۷
- ۷- پنج کمک مفهوم آیین به مطالعات ارتباطات..... ۱۳۹
- ۷- ۱- نامگذاری مجدد به عنوان محرکی برای بازنگری / اندیشی..... ۱۳۹

۷-۲- کمک به شناسایی جنبه‌های تحلیل نشده امور.....	۱۴۰
۷-۳- کمک به توضیح جنبه‌های غیرعادی امور.....	۱۴۰
۷-۴- کمک به پروراندن توقع درخور از امور.....	۱۴۲
۷-۵- آیین به عنوان ابزار یک رشته مطالعاتی.....	۱۴۳
۸- ارتباطات رسانه‌ای شده در شکل آیین.....	۱۴۷
۸-۱- رخدادهای رسانه‌ای و آیین‌های رسانه‌ای شده.....	۱۴۹
۸-۲- استفاده آیینی شده رسانه.....	۱۵۴
۸-۳- آیین‌های فعالیت‌های رسانه‌ای.....	۱۵۷
۸-۴- تلویزیون به عنوان دین.....	۱۶۱
۹- کارکردهای آیینی فرهنگ رسانه‌ای شده.....	۱۶۷
۹-۱- اخبار، تلویزیون و فرهنگ عامه به عنوان اسطوره و آیین.....	۱۶۸
۹-۲- نمایش‌های اخلاقی.....	۱۷۳
۹-۳- الگوبرداری از نقش‌های اجتماعی.....	۱۷۴
۱۰- آیین‌های سیاسی، بدیعی و مدنی.....	۱۷۹
۱۰-۱- نمادشناسی دولت و قدرت؛ آیین‌های نطق و تشریفات	
سیاسی؛ انتخابات و سیاست به عنوان آیین.....	۱۷۹
۱۰-۲- آیین‌های بدیعی و معانی بیان آیینی.....	۱۸۸
۱۰-۳- مراسم و جشن‌های عمومی.....	۱۹۰
۱۱- صور ارتباطات آیینی در زندگی دنیوی روزمره.....	۱۹۳
۱۱-۱- آیین‌های بین فردی و اجتماعی خرد.....	۱۹۴
۱۱-۲- آیین‌های سبک و موقعیت.....	۲۰۳
۱۱-۳- آیین‌های زندگی سازمانی معاصر.....	۲۰۷
۱۲- برداشت‌های آیینی از فرهنگ و ارتباطات.....	۲۱۳
۱۲-۱- اصلاحات و فرهنگ ضد آیین‌گرایی به عنوان موضوعی	
از سبک ارتباطات.....	۲۱۴

۲۲۲	۱۲ - ۲ - برداشتی آیینی از ارتباطات.....
۲۳۱	۱۳ - ضرورت آیین برای موجود انسانی.....
۲۳۵	منابع و مأخذ.....
۲۶۱	فهرست اعلام.....

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی

و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در سال جاری و به بهانه ۲۵ سال دانشگاه امام صادق علیه السلام در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و..... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

امید آنکه با گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌های اسلامی در کشور و توسعه آنها در افق جهانی، شاهد ظهور انوار «علم مفیدی» باشیم که راه‌گشای جهانیان در گذار از شرایط کنونی برای نیل به سعادت واقعی باشد.

در این راستا انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام آمادگی کامل خود را برای دریافت و انتشار کلیه آثاری که با این هدف تهیه و تولید شده‌اند - اعم از منظرهای انتقادی، تحلیلی، توصیفی و کاربردی - اعلام می‌دارد.

سخن نخست

وارد شدن به جهان نشر، کار ساده‌ای نیست بویژه برای کسانی که می‌خواهند بین آنچه شایسته نشر است و آنچه نیاز جامعه است رابطه‌ای به وجود آورند. مهم‌ترین مسأله‌ای که برای ایجاد چنین رابطه‌ای باید به آن توجه کرد، نفس موضوع انتخاب شده برای نشر است. شایستگی هر موضوع نیز می‌تواند ریشه در زاویه دیدی داشته باشد که نویسنده از آن زاویه به موضوع نگاه می‌کند. چه بسا مسائلی در نگاه اول نه چندان مهم جلوه کنند، ولی نحوه طرح و چگونگی بحث در مورد آنها، اهمیتشان را آنچنان جلوه‌گر می‌کند که گوئی نمی‌توان از کنار آنها به سادگی گذشت.

موضوع‌های مورد نیاز جامعه نیز به ارزیابی ژرفتری احتیاج دارد تا بتوان براساس آن به نتیجه روشنی رسید تا بدین ترتیب کار انجام شده با شایستگی موضوع انتخاب شده برای نشر منسجم گردد و این نیاز هر چه باشد می‌تواند شاخصی برای نشر هر موضوعی که با زاویه دید نویسنده و ناشر هم‌خوانی داشته و با هدف برآورده کردن نیاز جامعه باشد، محسوب گردد.

بسیارند مسائلی که مورد نیاز جامعه هستند و فراوانند موضوعاتی که از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بحث و مذاقه قرار می‌گیرند و هنوز نیازمند مطالعه و ارزیابی ژرفتری می‌باشند. بنابراین پژوهش، تألیف، ترجمه و نگارش در زمینه موضوع‌های مورد نیاز از جنبش و حرکت باز نخواهند ایستاد، بویژه در زمانی که جامعه درک صحیح و معقولی

از نیازهای خود داشته باشد.

بی‌شک، جامعه ما به برکت تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی و به‌خصوص در سال‌های اخیر نصیب آن شده، درکی صحیح و متناسب با خواسته‌های داخلی و ماهیت حرکت‌های جهانی بویژه در ابعاد فرهنگی داشته است.

گروه "ارتباطات و دین" مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) درصدد پرداختن به موضوعاتی است که ضمن برآوردن بخشی از نیازهای جامعه، اندیشه نو یا طرحی نوین درعرصه فکر و هنر را به نمایش درآورند. از همین منظر کتاب ارتباطات آیینی با ترجمه برادر اندیشمند جناب آقای دکتر گیویان انجام شده و در اختیار خوانندگان گرامی قرار گرفته است.

این کتاب اولین اثر از مجموعه "فرهنگ و رسانه" است. امیدواریم که در آینده بتوانیم در زمینه‌های گوناگون ارتباطات رسانه‌ای بویژه از جنبه‌های مختلف فرهنگ‌شناسی، دین‌شناسی و جامعه‌شناسی متون دیگری را برای مطالعه و پژوهش تهیه و منتشر نماییم.

و من الله التوفیق

دکتر حسن بشیر

مدیر گروه ارتباطات و دین

مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)

سخن مترجم

هر کتاب برشی از سپهر نو به نو شونده معرفت و از این‌رو منظومه‌ای گزینشی از آن است. اگر غیر از این بود، باید می‌شد همه دانش را به یکباره در دفتری گرد آورد. اجازه بدهید با بسط این استعاره این مقدمه را پیش ببریم. در عمل، هر نویسنده و پژوهشگر به قدر وسع و متناسب با اهداف خود، مجموعه‌ای از ستاره‌ها و سیاره‌ها را فراهم می‌آورد تا با تنظیم دوباره و از ترکیب متفاوت آنها منظومه‌ای تازه بیافریند، سخنی نو بیاورد و به این ترتیب در بسط گستره علم مشارکت کند. این منظومه که مسیر پیشنهادی نویسنده به دیگر سالکان معرفت است به آنها می‌نماید که اگر به ترتیب پیشنهاد شده به آن ستاره‌ها و سیاره‌ها سری بزنند، در مداری معین سیر خواهند کرد و از نور خورشیدی که در کانون این منظومه جای داده شده، بهره خواهند گرفت و با نور آن پیرامون خود را به نحوی خاص خواهند دید. پس در نگاه نخست، هر چه آن ستاره‌ها شناخته شده‌تر و مسیر سفر بین آنها آشنا تر، کوتاه‌تر و در نور دیده‌تر باشد، خواننده سهل‌تر به پیشنهاد نویسنده پی می‌برد، اما هر چه راه طولانی‌تر باشد، از نواحی دورافتاده‌تری بگذرد و ستاره‌ها و سیاره‌های نشان شده آن ناشناخته‌تر باشند، خواننده مسیر پیشنهاد شده را دیرتر درمی‌یابد.

یک نمونه از مسیرهای سراسر، نوشته‌ای است که قرار است بخش‌آشنایی از ستاره‌ای شناخته شده را شرح دهد. برای موارد دیریاب هم می‌شود مثال‌هایی ذکر کرد.

نظریه‌شناسی‌ها و پژوهش‌های بین رشته‌ای از این زمره‌اند. در نظریه‌شناسی نویسنده ناگزیر است بسیار سریع و فشرده جان کلام نظریه یا نظریه‌پرداز را نشانی بدهد و با این امید که خواننده خود چیزهایی از موضوع می‌داند و با این اجبار که باید سراغ از بسیاری از دیگران هم بدهد، مجبور می‌شود شرح مفصل موضوع را واگذارد. به این ترتیب اثر نظریه‌شناختی شدیداً مستعد آن است که پیچیده به نظر برسد. مطالعات بین رشته‌ای هم مشمول این قاعده می‌شوند، چراکه لاجرم باید از شرح امهات رشته‌های متفاوتی که بنای مرتبط کردن آنها را دارند، به اشاره‌ای مختصر اکتفا کنند. البته این دشواری زمانی فزونی می‌یابد که کسی بکوشد بر فاصله بین اقلیم‌های بعید پل بزند. صدالبته هرچه حجم کتاب کمتر باشد، میدان جولان نویسنده نیز محدودتر می‌شود، بنابراین لایه‌های متعدد معنا با فشردگی بیشتری بر روی هم متراکم می‌شوند.

کتاب حاضر بسیاری از آنچه را که آن خوبان دارند با خود دارد؛ یعنی هم‌کتابی نظریه‌شناختی است، هم قصد دارد الفت بین دو حوزه دانش را که تا به حال بی‌ارتباط تلقی می‌شدند، بنمایاند و هم می‌خواهد این کار را در اوراقی محدود به انجام برساند. به‌علاوه در این اثر، ستاره‌ها و سیاره‌هایی سراغ داده شده‌اند که ممکن است برای خوانندگان ایرانی چندان شناخته شده نباشد. پس باید انتظار داشته باشیم که این کتاب اساساً آسان ننماید و از خواننده تدقیق و شکیبایی بیشتر و نیز مراجعه به منابع اشاره شده را طلب کند. این از آن روست که نویسنده در اکثر موارد ناگزیر بوده است به جای تشریح مفصل و مبوب نظریه‌های موجود و توضیح نشانی مورد نظر خود، تنها به اشاره‌ای گذرا به مطلبی که خود موضوع کتاب یا کتاب‌هایی بوده‌اند، بسنده کند.

پیشنهاد کانونی کتاب حاضر این است که ارتباطات را چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی آن می‌توان یک آیین تلقی کرد. نویسنده در بهره نخست تلاش می‌کند (البته و لاجرم به شکل گزینشی) با توضیح جنبه‌هایی از آیین ازدیدگاه‌های مرتبط، تعریفی از آن ارائه کند. در این کار آنچه را مفید می‌یابد ازدیدگاه‌های مختلف وام می‌گیرد و آنچه را رایج یا مذکور اما مهجور می‌یابد، تا آنجا که به توضیح نظر او کمک می‌کند، تشریح می‌نماید. در بهره دوم، تداخل و تقارن آیین و ارتباطات را با ارجاع به

شواهد تجربی و نظریه پردازی‌های موجود، تشریح می‌کند.

برای پی‌بردن به پیشنهاد نویسنده این کتاب، درست مانند هر متن دیگر، لازم است رابطه متقابل و فعالی با وی برقرار کرد، با مصادیق مورد اشاره او آشنایی پیدا نمود و مهم‌تر آنکه باید تلاش کرد تا نظر او را در زندگی فردی و جمعی آزمود. با توجه به گزینش نویسنده از مجموعه دانش‌های مرتبط، بویژه از ادبیات آیین‌شناسی، پیشنهاد می‌شود خوانندگان ابتدا فصل آخر (۱۳) را مطالعه کنند. این کار امکان آن را فراهم می‌کند تا خواننده در ابتدا با مقصود اصلی نویسنده آشنایی بیشتری پیدا کند و بتواند آنچه را نویسنده بنا دارد از خلال مجاهدت‌های نظری آشکار سازد، بهتر دنبال و او را در این مسیر پر پیچ و خم همراهی کند.

نقطه عزیمت نویسنده آرای دورکیم است. از نظر دورکیم، جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین یکی از مهم‌ترین آنهاست. مفهوم آیین در قرن نوزدهم و به عنوان "گونه‌ای جهانی از تجربه بشری" که محدود به فرهنگ یا جامعه‌ای خاص نمی‌شود، در ادبیات علوم اجتماعی رخ نمود. این مفهوم کاربرد گسترده‌ای در تحلیل تجربه‌های دینی پیدا کرد. ساختارگرایان، متأثر از دورکیم و بویژه کتاب «صور حیات دینی»، آیین را به عنوان "ابزاری برای تحلیل ذات پدیده اجتماعی" به کار بستند (بل، ۱۹۹۲: ۱۴)^۱. آنها بین آیین به عنوان کنشی جمعی و مقوله‌های مرتبط با ذهن، عقاید و فکر تمایز قائل شدند. برای مثال از نظر دورکیم، آیین ابزاری است که جمع به وسیله آن، عقاید جمعی خود را خلق و آنها را تجربه می‌کند و در فرآیند آیین است که ذهن و جسم به وحدت می‌رسند و توأمان در ابراز معنا مشارکت می‌کنند. از نظر ساختارگرایان، آیین‌ها و اسطوره‌ها فعالیت‌هایی هستند که به واسطه آنها جوامع همبسته و همساز می‌شوند و نظم اجتماعی، به وسیله ارزش‌های نهفته در آیین درونی، ابراز و با درنوردیده شدن تمایز ذهن و جسم و فرد و جمع، برقرار می‌شود.

مفهوم آیین هم، نقشی بنیادین در آرای دورکیم، پیروان ساختارگرایی و

1. Bell, C (1992). *Ritual Theory, Ritual practice*. Newyork, Oxford: Oxford University press.

نودورکیمی‌ها ایفا کرده و هم در آثار بسیاری از پژوهندگان اجتماع، فرهنگ و دین به کار بسته شده است. برای مثال می‌توان به آثار مردم‌شناسان کلاسیک مانند: رادکلیف براون، مالینوفسکی^۱ و دانشمندان متأخری چون لوی اشتراوس، میرچا الیاده، ماری داگلاس^۲، ادموند لیچ و ویکتور ترنر اشاره کرد.

با وجود این، بهره‌گیری از مفهوم آیین نه الزاماً به معنای تبعیت نظریه‌ای از دورکیم و نه به مفهوم پیروی روش‌شناختی از وی است. اشاره به آیین در آثار فوکو، بوردیو، بولدیار و بسیاری دیگر از مردم‌شناسان، اسطوره‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست از این زمره است.

برای مثال مارکوس و فیشر^۳ با اشاره به کارآیی آیین در سازماندهی "متون مردم‌نگارانه" علت رواج استفاده از آیین را در "طبیعت عام" آن می‌دانند. در آثار کلیفورد گیرتز، آیین به شیوه‌ای مغایر با تقلیل‌گرایی دورکیمی استفاده شده است. از نظر وی، برخلاف دورکیم، آیین‌ها و اسطوره‌ها مهم هستند، اما نه به این دلیل که نظم اجتماعی و مهم‌تر از آن، جهان‌بینی گروه‌های اجتماعی را باز می‌نمایند، بلکه به این دلیل که آن را می‌سازند و به مردم الگویی برای شناخت واقعیت می‌دهند^۴ (گیرتز، ۱۹۷۳). از نظر وی و بسیاری دیگر، آیین‌ها متونی برساخته اجتماع هستند که ما را به تفسیر خود دعوت می‌کنند.

بحث از نسبت آیین و ارتباطات جنبه‌های متنوعی دارد. در آرای ماری داگلاس و ادموند لیچ بر این نکته که آیین خصلت‌های ارتباطاتی دارد به صراحت اشاره شده است. به هر حال اگر بنا باشد آیین در اجتماع عمل کند، الزاماً باید صورتی بین ذهنی بیابد و مفاهیم مستتر در خود را به گردش درآورد، اما اینکه ارتباطات را به معنای عام و عمل

1. Malinowski

2. Douglas

3. Marcus, G. & Michael M. Fischer, (1986) *Anthropology as Cultural critique*, Chicago: University of Chicago press.

4. Geertz, C., (1973). *Interpretation of Cultures: Selected Essays*. New York: Basic Books.

رسانه‌ها یا به تعبیر رودنبولر، عمل رسانه‌ای و رسانه‌ای کردن مفاهیم را به صورت عملی آیینی تلقی کنیم، وجه دیگری از نسبت این دو مفهوم است. مشاهده اینکه رسانه‌ها، برای مثال تلویزیون‌های مختلف، آیین‌ها را به تصویر می‌کشند و آنها را پخش می‌کنند، چندان نیازمند جستجو نیست. تقریباً هرفرستنده تلویزیونی در هر کجای دنیا می‌تواند از این جنبه بررسی شود و پژوهشگر آیین پس از مشاهده ساعات معدودی از برنامه‌های آن، بی‌هیچ تردیدی، انبانی پر از شواهد مستقن از نمایش آیین‌ها خواهد داشت. بازنمایی نمایش‌هایی چون حضور ستاره‌های هنری، ورزشی، دیدارهای شخصیت‌های سیاسی، مناسبت‌های تقویمی، جشن‌ها، مراسم و مواردی از این قبیل است.

جنبه دیگر موضوع، خصلت رسانه‌ها در آیینی کردن آن چیزی است که تولید و منتشر می‌کنند؛ جنبه‌ای که باید بیشتر مورد توجه قرارگیرد. اگر رسانه‌ها به تعبیر مارتین باربرو^۱ (۱۹۹۷: ۱۰۳) در رازآمیزی هستی و آنچه واقعیت‌های روزمره، محصل و عینی تلقی شده‌اند، نقش داشته باشند و بویژه اگر این طبیعت آنها باشد، آنگاه ارتباطات و به شکل خاص رسانه‌ها را که با صفت نو و متعلق به عصر سکولاریسم معرفی شده‌اند، باید به چشم دیگری نگریست. آنگاه تمام داعیه‌های افسون‌زدایی، مخالفت با اسطوره‌ها و عینی‌سازی و فرآیندهای عقلانی‌سازی رنگ می‌بازد یا رنگ دیگری به خود می‌گیرد. آیا اینها چیزی جز اسطوره‌های معاصر هستند؟ این پرسش و پرسش‌های مشابه بی‌صبرانه در انتظار پاسخی هستند که می‌توانند معنای زندگی در جهان معاصر را روشن‌تر کنند.

ترجمه کتاب حاضر تکاپویی فروتنانه است که با این امید به اجرا درآمد تا گامی در راه تدارک بصیرتی برای اندیشیدن، جستجو و نزدیک شدن به پاسخ‌هایی برای پرسش‌های مطرح شده باشد. این کتاب را نخستین بار دوست دانشمند دکتر کازیمو

1. Martin-Berbro, J. (1997) Mass Media as a site of Resacralization of contemporary Cultures, In S. Hoover & K. lundby (Eds), *Rethinking Media, Religion and Culture*, London: sage.

زنه^۱ در اختیار من قرار داد. تشکر از ایشان و نیز جناب آقای دکتر حسن بشیر "مدیریت وقت^۲ گروه ارتباطات و دین مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام" را که با پیگیری مجدانه خود ایده چاپ این کتاب را محقق کردند، بر ذمه خود می‌دانم. کلام آخر اینکه به همان اندازه که شکی ندارم لغزش‌ها و کاستی‌های این ترجمه از چشم ارباب معرفت و اصحاب دانش پوشیده نخواهد ماند، امیدوار و مشتاقم که آنان بنده را از راهنمایی‌های نکته‌گشایانه و مشفقانه خود برخوردار کنند؛ باشد تا با لحاظ کردن خصلت انباشتی علم، این دانش‌آموز نیز سهمی نه به‌قدر بضاعت ناچیز خود که به اندازه فضل منتقدان مشفق در گسترش سپهر نو به نو شونده معرفت ایفا کرده باشد.

عبدالله گیویان

1. Dr.Cosimo Zene

دکتر کازیمو زنه مدرس نظریه‌ها و روش‌های مطالعه دین در دانشگاه لندن است.
۲. هم اکنون رئیس دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) هستند.

پیشگفتار

کتاب پیش‌رو دربارهٔ آیین، ادبیات آیین‌شناسی، کاربرد اصطلاح آیین در ادبیات مطالعات ارتباطی، آیین به عنوان پدیده‌ای ارتباطی و ارتباطات به مثابه پدیده‌ای آیینی است. این کتاب آیین‌ها را به عنوان امور، راه‌های انجام آنها و یک مفهوم لحاظ می‌کند و رساله‌ای کتاب‌شناختی و ممارستی در نظریه محسوب می‌شود. و در نهایت این کتاب در قالب اوراقی محدود در پی دستیابی به اهدافی بی‌شمار می‌باشد.

مقصود من از «آیین» چیست؟ آشکارا، آیین شیوه‌ای رسمی از کنش است و به جای کنش‌های ابزارگرایانه فنی به شکلی بارز بر کنش نمادین تأکید می‌کند و معمولاً نسبتی مهم با روابط اجتماعی و نظم اجتماعی دارد. سرانجام در آخر فصل دوم، آیین را به عنوان اجرای داوطلبانه رفتار الگویی مناسب که حاکی از تأثیر یا مشارکت در زندگی جدی است، تعریف خواهم کرد. توقع ندارم خوانندگان ریزه‌کاری و معانی ضمنی تعریف مرا تا پیش از لحاظ تمامی معانی مطرح شده در ادبیات آیین‌شناسی که در فصول ۳، ۲ و ۴ بررسی شده‌اند، دریابند. به علاوه، کلمهٔ آیین به شیوه‌های گوناگون و برای تأمین اهداف مختلف استفاده شده و یکی از اهداف این کتاب نیز مروری بر کاربردهای متفاوت این کلمه است. اگر آیین را بسیار محدود یا بسیار شتابزده تعریف کنم، بخش عمده‌ای از ادبیات نظری ذکر شده ضایع خواهد شد. برای پرهیز از بروز چنین وضعیتی است که نیمهٔ اول کتاب به شکلی بارز، ساختاری استقرایی دارد و مبتنی

است بر این عقیده که می‌توانیم بخش عمده‌ای از مفهوم «آیین» را با کشف کل قلمرو کاربردهای زبان‌شناختی آن دریابیم: انواع امور موجود در جهان که آیین خوانده می‌شوند چه هستند؟ دانشمندان در چه گستره‌ای از امور باید درباره آیین سخن گفته باشند؟

فصول ۲ تا ۵ به مرور ادبیات آیین‌شناسی از مردم‌شناسی گرفته تا حوزه‌های مرتبط (گریمز^۱، ۱۹۸۷) اختصاص یافته است. این بخش از کتاب را می‌توان رساله‌ای کتاب‌شناختی انگاشت و امید دارم که خوانندگان آن را راهنمای کارآمدی برای راه بردن به ادبیات مربوط بیابند، ولیکن این نیمه تنها مروری بر ادبیات نظری نیست، چراکه در این بخش دستور کاری نظریه‌ای را دنبال و همپای مرور ادبیات موجود، آن را ارزیابی می‌کنم و مطالب بسیاری را در خصوص این دستورکار ارائه خواهم داد.

فصل ۶ بیش از هر فصل دیگر این کتاب به آثار اصلی نظریه‌ای اختصاص یافته است. در این فصل دیدگاه‌های اصلی‌ای را که به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌شوند: آیین یکی از قویترین اشکال تأثیرگذاری ارتباطی است، توضیح و نشان خواهم داد که آیین چگونه به وسیله تمهیدات ارتباطی‌اش عمل می‌کند. این کار نظریه‌ای برای بهره‌وری هوشمندانه^۲ از فهم آیین به مثابه ارتباطات و توجه اذهان به درک ارتباطات به مثابه آیین، ضروری است.

نیمه دوم کتاب همپای نیمه اول آن است. نیمه نخست با اکتشاف تعریف آیین آغاز می‌شود، در ادبیات آیین‌شناسی غور می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که آیین، نظامی ارتباطاتی است. نیمه دوم با فایده پرداختن به مطالعات ارتباطی آغاز می‌شود، در ادبیات مطالعات ارتباطی غور می‌کند و این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که ارتباطات نوعی آیین است. احتمالاً بتوان این دو نیمه را مستقل از یکدیگر مطالعه کرد یا نیمه دوم را کاربرد اندیشه‌هایی دانست که در نیمه نخست بسط داده شده است. با این همه، انتظار دارم که این دو نیمه به شیوه‌ای که آورده شده‌اند با یکدیگر خوانده شوند و امیدوارم این کتاب

1. Grimes

2. Intellectual benefit

به عنوان یک کل دیده شود که از ادبیات آیین‌شناسی آغاز می‌شود و به ادبیات مطالعات ارتباطی می‌رسد و متضمن نقشی است که دانشمندان ارتباطات باید در جسدال در مورد عمومی‌ترین نظریه اجتماعی و زندگی اجتماعی ایفا کنند.

فصل آخر (۱۳) به بحث درباره عقیده‌ای می‌پردازد که انگیزه تألیف این کتاب بوده است؛ عقیده‌ای که امیدوارم خوانندگان، این کتاب را در توجیه آن موفق‌یابند: آیین ضرورت با یکدیگر زندگی کردن / بنای بشر است. در این باره قراینی چند وجود دارد. یکی از این قراین، ضروری بودن نظم است. مادامی که این نکته فهمیده شود که منظور من از نظم، این یا آن نظم سیاسی، جریان تاریخی، یا ترتیبات حکومتی نیست، بلکه نظم را همچون قواعد بنیادین و به مثابه اصلی بنیانی برای تجربه آگاهانه و معنا مراد می‌کنم، قرینه نخست مجادله‌پذیر نخواهد بود. دوم فرض را بر این می‌گذارم که نمی‌توانیم جدای از هم به سر بریم و ما باید با یکدیگر زندگی کنیم. به عنوان یک دانشمند، با لحاظ احتمال وجود مشاهده‌ای که نکته ذکر شده را نقض کند، راغب هستم اما چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، نه به عنوان یک دانشمند و نه فردی عادی، آن امر نشدنی؛ یعنی زندگی منفردانه انسان، مورد توجه من نیست؛ ما اکنون با یکدیگر زندگی می‌کنیم و این، چیزی است که مرا به خود مشغول می‌سازد. سوم، مستندات تاریخی نشان می‌دهند که ممکن است به شیوه‌ای غیرانسانی با یکدیگر زندگی کنیم، اما این احتمال نه مطلوب است و نه گریزناپذیر.

اگر باید با یکدیگر زندگی کنیم، پس ناگزیر باید سازوکارهایی برای هماهنگ‌شدن ما وجود داشته باشد و نیز انتظامات ویژه‌ای برقرار گردد. از آنجا که آیین به وسیله نمادها عمل می‌کند، مستلزم مشارکت است و نسبت به تعاطی اندیشه‌ها باز عمل می‌کند و نیز راهی انسانی برای اجرای نظم اجتماعی است، بنابراین آیین برای زندگی با یکدیگر امری ضروری است.

دستور کار نظریه‌ای

تاریخ معرفت همان قدر که بر ساخته از نبرد با واقعیت‌هاست، بر ساخته از تقابل مکاتب فکری نیز هست. مفاهیم، نظام‌های منطقی، دلایل، عقاید دینی، سنت‌ها و زیبایی نقش‌هایی در معرفت ایفا کرده‌اند که نه تنها از واقعیت‌ها مستقل هستند، بلکه برای هر چیزی که آن را دانشی درباره واقعیت‌ها به شمار می‌آوریم، ضروری هستند. این امر، فهم عقاید دیگران را برای رشد محسوس دانش، به شکلی حیاتی، مهم می‌سازد. به همین دلیل اگر خواننده بداند یک صاحب‌نظر به کدام سنت فکری متعلق است یا علیه کدام می‌کوشد، مطلب را بهتر درک خواهد کرد.

کتاب حاضر با این هدف نگاشته شده که در جرگه افشاگران کاستی‌های مکتب سودمندگرایی قرار گیرد و به تعریف نقش مستقل و فراعقلانی‌ای^۱ که نمادها، معانی و آرمان‌ها ایفا می‌کنند، بپردازد. برای تحقق این منظور، آرای امیل دورکیم (۱۹۱۷ - ۱۸۵۸) را بنیان استدلالات خود قرار می‌دهم. دستور کار کتاب نخست دورکیم، تقسیم کار در اجتماع^۲ (۱۸۹۳/۱۹۸۴)، تعریف عناصر غیر قراردادی قرارداد [اجتماعی]، بنیان‌های اخلاقی اقتصاد و ساختارهای ضرورتاً فراعقلانی در جوامع به ظاهر عقلانی جدید و سازمان یافته بود.

ادعای دورکیم، به طور اجمال چیزی شبیه این بود: انسان‌ها تنها با نان، حسابداری و به شکل انفرادی زندگی نمی‌کنند، پس زیست‌شناسی، علم اقتصاد و روان‌شناسی در تصویری که از انسان ارائه می‌کنند، نقص دارند. آنچه این علوم فاقد آن هستند، توجه به نقش مستقل نیروها و ساختارهای اجتماعی در زندگی انسان است. به طور مثال ممکن است برای تحلیل جامعه به قراردادها توجه کنیم، اما نباید غافل بود که این امر در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که عقیده به ضرورت پابندی به قرارداد، پیشاپیش در آن وجود داشته و از نظر اخلاقی الزام‌آور باشد. دورکیم کار خود را جامعه‌شناسی اخلاقیات

1. arational

۲. در فارسی «تقسیم کار اجتماعی» نیز ترجمه شده است. [مترجم]

خواند.^۱ در خلال کار او، تغییری در نکات تأکید وجود داشت که عده‌ای را بر آن داشت که کار آخر او را جامعه‌شناسی اخلاقی^۲ بخوانند. این امر با رشد توجه افراطی پژوهشگران به عنایت او به فرآیندها و اشکال نمادین به عنوان تدابیری برای حضور اجتماعی آن اخلاقیات، متقارن شد. به همین دلیل است که آخرین کتاب او، *صور بنیادین حیات دینی* (۱۹۶۵/۱۹۱۲) می‌تواند به عنوان بنیانگذاری نظریه‌ای برای بنیادهای ارتباطی زندگی اجتماعی قرائت شود.

توجه اساسی من به آیین از صور بنیادین شروع شد. امیدوارم که کتاب حاضر بتواند آن طرح را به پیش ببرد. این کتاب به گونه‌ای ساختمان حرکت خواننده را از توجه به موضوع آیین آغاز می‌کند و او را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که آیین یک تدبیر ارتباطی ضروری برای جامعه انسانی است.

برملا کردن کاستی‌های فلسفه سودمندگرایی^۳ نه تنها شامل نشان دادن نقش محدود محاسبه‌گری ابزارگرایانه در زندگی روزمره و فایده اندک شیوه‌های تبیین^۴ سودمندگرایانه می‌شود، بلکه احتجاج علیه برخی از همبستگان سودمندگرایی مانند مکتب اصالت تجربه^۵ و مکتب اصالت ماده^۶ را نیز دربرمی‌گیرد.

تاریخ علم و تفکر بر اشتباه بودن اصالت تجربه - نه کارهای تجربی که بدون آنها اساساً علمی تجربی وجود نخواهد داشت - و بویژه فلسفه علوم تجربی‌ای که اصالت تجربه خوانده می‌شود، گواهی می‌دهد. استدلال، مؤلفه ضروری و مستقل تمامی دعاوی معرفتی است. بنابراین، این امر ما را بر آن می‌دارد همان قدر که به شیوه‌های مشاهده توجه می‌کنیم، استدلال را مورد توجه قرار دهیم و همان قدر که به گردآوری داده‌ها

1. sociology of morals

2. moral sociology

3. utilitarianism

4. explanation

5. empiricism

6. materialism

التفات می‌کنیم برای بین ذهنی کردن^۱ استدلال‌هایمان بکوشیم. این حساسیت نسبت به نقش استدلال (و دیگر ایده‌ها) در معرفت، هم عرض تأکید دورکیمی بر نقش مستقل نیروهای اجتماعی متجلی در نمادها و آرمان‌ها، است. دقیقاً همان‌گونه که بروز جامعه در نمادها و آرمان‌هایی است که ترویج می‌کند، تجلی دانش هم در آرمان‌ها و نمادهای گروه اجتماعی‌ای است که آنها را نشر می‌دهد.

احتمال دارد این کتاب، به دلیل ضدیت آن با اصالت ماده، از سوی برخی به مثابه بیانیه ذهن‌گرایی^۲ تلقی شود، اما پذیرش ذهن‌گرایی الزاماً از طرد اصالت ماده سرچشمه نمی‌گیرد. هدف، دستیابی به نظریه‌ای ترکیبی است، نظریه‌ای که دنیایی را تصویر کند که در آن، ماده و ایده نقش خود را ایفا کنند، هریک در کشمکش ناشی از فشار همزمان منطق خود، مقید به جریانات و در روابط متقابل دیده شوند. این امر دغدغه استخدام جف. الکساندر^۳ است، چنانکه در جلد نخست اثرش به نام *منطق نظری در جامعه‌شناسی* (۱۹۸۲) نیز عرضه شده است.

هر لحظه از فرآیند ارتباط، آشکارا و بنابر ضرورت ترکیبی از ذهن و ماده و فرد و جمع است (رودنیولر، ۱۹۸۷، شفرد و رودنیولر^۴، ۱۹۹۱). هر چیزی برای آنکه ارتباط تلقی شود باید خصایصی داشته باشد که بتوان آنها را به ذهن (معانی، انگیزه‌ها و عناصر تجربه درونی) بیان شده در قالب مادی (نوشتار، گفتار، ضبط شده و بیرونی نشده) از سوی افرادی (عملی انجام شده، از سوی کسی، برای مقصودی) در قالب نظمی قابل فهم برای دیگران (در صورتی نحوی^۵، با وجهی معناشناختی)^۶ و عملی (که بتوانیم براساس نظام مشترک نشانه‌ها در یک گروه، در آن مشارکت کنیم) منسوب کرد. این

1. intersubjective

2. idealism

3. Jeffery Alexander

4. Shepherd & Rothenbuhler

5. syntax

6. semantics

فهم ساده از ارتباطات، به عنوان ترکیبی از ذهن و ماده و فرد و جمع را می توانیم به یک نظریه ترکیبی اجتماعی تعمیم دهیم. زندگی اجتماعی ترکیبی از ذهن و ماده، فرآیندها، نیروها و ساختارهای فردی و اجتماعی است، پس در این صورت، ضدیت با اصالت ماده مبتنی بر ذهن گرایی نیست، بلکه پاسخی است به گرایش آن مکتب فکری که نقش مستقل ذهنیت و فردیت را در زندگی اجتماعی نادیده می گیرد، آن را خوار می شمرد، یا حتی به شکل منطقی آن را نفی می کند. با وجود این، کتاب حاضر به گونه ای قابل پذیرش، در تعاقب عنوان خود، بنیان های جمعی و ذهن گرایی خود را داراست.

آنچه الگوی ترکیبی و توجه به آیین بدان رهنمون می شود، تصویر دنیایی است که در آن، وجوه مهم نظم اجتماعی به شکلی نمادین برساخته شده اند و به شکلی داوطلبانه اعمال می شوند. این جمله آن قدرها هم که به نظر می رسد، خام و ساده انگارانه نیست. ماهیت یک عصر تاریخی، ذات بازی دولت ها و بنگاه های اقتصادی و حاکم جریان های فرهنگی وابسته به داوطلب بودن افراد نیست. به هر حال التفات به آیین، توجهات را به نظم های خرد روزمره از قبیل خنده ها و اشارات، دفاتر کاری دارای پنجره هایی به بیرون، گردش نوبت گفتار در محاوره، مراسم تکراری ای چون روزهای تولد، تجمعات، بیرون رفتن شبانه شب ها و کلیسارفتن صبح های یکشنبه جلب می کند. در این سطح از تجربه روزمره، بخش عظیمی از نظم اجتماعی دنیا را پیدا می کنیم. در میان خانواده و دوستان بودن، همسایگی و محل کار مکان هایی که در آن، امروز بسیار شبیه گذشته، این هفته مانند هفته گذشته است و سال آینده کمابیش شبیه سال گذشته خواهد بود. در آنجا، نظم نه تنها تکرار و ملال، قشر بندی و طبقات اجتماعی و استثمار مبتنی بر تفاوت جنسی و نژادی نیست، بلکه چیزی فراتر از آن، چیزی با معنی، لذتبخش، مفید و زیباست. حتی آنچه بد است یا ممکن است در گذر زمان بد تلقی شود، چنانچه نظمی مبتنی بر آیین باشد، می تواند بسیار ساده تر از زمانی که نظمی وابسته به زور است، تغییر یابد.

معرفت مربوط به نظم اجتماعی در سیطره تصویری از اجبار قرار دارد: قدرت، زور،

قانون، خشونت، اجبار، تنبیه و استثمار اصطلاحات مسلط هستند. در این چارچوب نظم به عنوان امری تلقی می‌شود که مبتنی بر انضباط و اجراست و متضمن آزادی اندک است. نظم اجتماعی در برخی تحلیل‌ها نوعی ممانعت، سرکوب و اعمال خشونت تعریف می‌شود. اما بگذارید تفاوت میان خشونت جسمانی (فیزیکی) که از میان بردن یک موجود زنده است و خشونت استعاره‌ای^۱ را که مستلزم جدال اندیشه‌هاست، نادیده نگیریم. علم ریاضیات، منطق، نقاشی، شعر، موسیقی و موعظه هم انضباط هستند. انضباط در این معنا چیزی است که از آن تبعیت می‌کنیم، بدون ما وجود ندارد و ما به دلیل فایده و زیبایی که دارند به آنها ملتزم می‌شویم.

امیدوارم از آیین نزد کسانی که با بدبینی با آن مواجه می‌شوند، اعاده‌حیثیت کنم. می‌خواهم به حضور آیین در همه جا و به فایده آن اشاره نمایم، زیبایی و قدرت آن را آشکار کنم و بگویم که در میان تدابیر مختلف موجود برای ایجاد نظم، آیین یکی از ظریف‌ترین چیزهایی است که در بازسازی عقلانی [جامعه]، در صورتی که مقتضی باشد، در دسترس قرار می‌گیرد.

تقدیر و سپاس

در وهله نخست از /ستیو چافی^۱ و میخائیل شادسون^۲ تشکر می‌کنم که مرا به نوشتن درباره آیین به عنوان مفهومی ارتباطاتی دعوت و در طول کار تشویق و از پیشنهادهای خود بهره‌مند کردند. از این دو برای طولانی شدن انجام این کار، عذرخواهی نیز می‌کنم. تام مک کین^۳ و جین فریزر^۴، که به طور مشترک مدیر مرکز مطالعات پیشرفته ارتباطات راه دور در دانشگاه دولتی اوهایو بودند و من طی سفر خود در مارس ۱۹۹۲ به عنوان استاد مقیم در این مرکز به سر بردم. این دو برای خواندن، فکر کردن و نوشتن طرح اولیه بخش زیادی از این کتاب وقت صرف کردند. مسئولان دانشکده و دانشجویان بخش ارتباطات دانشگاه دولتی اوهایو به نهایی شدن این طرح یاری رساندند. در آن دوره، کمک‌های بروک گرونбек^۵ برای اقامت در آیوا، بسیار موثر بود. دانشجویان حاضر در سمینارهای من در خصوص آیین و ارتباطات در دانشگاه آیوا و طی تابستانی دوست داشتنی در دانشگاه کانزاس، کمکی ویژه برای غور در این مطالب

-
1. Steve Chaffe
 2. Michael Schudson
 3. Thom McCain
 4. Jane Frazer
 5. Bruce Gronbeck

بودند و در بازبینی تفکرات و بیاناتم مدد رساندند. علاوه بر چافی و شادسون، گلندا^۱، بلانز^۲، سام بکر^۳، کوین دی‌لوکا^۴، استیو داک^۵، بروک گرونیک، الیا هوکنز^۶، هسین ایلینو^۷، دونووان اکز^۸، جان پترز^۹، کریس کوین^{۱۰}، میخائیل سائنز^{۱۱}، گرگ شفرد^{۱۲}، سارا استین^{۱۳}، داگ ترانک^{۱۴}، کتی واینگایست^{۱۵} و باربی زلیتز^{۱۶} هر یک بخش‌هایی یا نسخه‌هایی از دستنویس این کار را خواندند و نکات ثمربخشی را یادآور شدند. جف. الکساندر^{۱۷}، پیتر کلارک^{۱۸}، دانیل دیان^{۱۹}، جان دیمیک^{۲۰}، سوزان اوانز^{۲۱}، الیا هوکنز و مرحوم بیل هوج^{۲۲} نیز مرا برای انجام این کار تشویق کردند. امیدوارم آنها از سرانجام این کار خرسند باشند.

-
1. Glenda Balas
 2. Same Becker
 3. Sevin DeLuca
 4. Steve Duck
 5. Elihu Katz
 6. Hisn-ILiu
 7. Donovan Ochs
 8. John Peters
 9. Chris Quinn
 10. Michael Saens
 11. Greg Shepherd
 12. Sarah Stein
 13. Dovg Trank
 14. Cathy Weingeist
 15. Barbie Zelizer
 16. Jeff Alexander
 17. Peter Clarke
 18. Daniel Dayan
 19. John Dimmick
 20. Susan Evans
 21. Bill Hodge

بهره نخست:

آیین چیست؟

۱ - توصیفات و راهبرد تعریفی

۱-۱ - تأثیر شعائر^۱، مراسم^۲ و اشکال آیینی دیگر بر زندگی اجتماعی

زندگی از تولد، روزهای تولد، به بلوغ رسیدن‌ها، ازدواج‌ها، تولدهای بیشتر، پذیرش‌ها، گذشتن‌ها و مرگ تشکیل شده است. زندگی نهادین مستلزم ورود، طی طریق و ترک آن است؛ پس حیات ما زنجیره‌ای از آغازها و استقبال‌ها، ترفیع‌ها و پیشرفت‌ها، اخراج‌ها، دست کشیدن‌ها، به هیجان‌آمدن‌ها، بازنشستگی‌ها، شام‌ها، جشن‌ها و گردهمایی‌هاست. یک هفته کاری از شروع، میانه، پایان، یک مراسم، استراحت و سپس بازگشتن دوباره به کار تشکیل شده است. یک سال با بزرگداشت سال نو، برپاداشتن مراسم برای بهار و نیمه تابستان و پاییز علامت‌گذاری می‌شود. تعطیلات مذهبی در تقویم سال پراکنده شده‌اند و مراسم فرعی‌تر کمابیش طی ماه برگزار می‌شوند و نیز تولد دوستان و اعضای خانواده، تعطیلات شخصی هستند. مرخصی، قرارداد، تجمع یا گردهمایی خانوادگی یا هر دو، شروع و پایان فصل‌های ورزشی، همگی تقویم سالانه را

1. rites

2. ceremonies

نشانه‌گذاری می‌کنند. همچنین در سال‌های خاص، مسابقات المپیک، انتخابات ملی و دیگر مراسم سیاسی اتفاق می‌افتد. اینها شعائر، مراسم، قراردادها و بزرگداشت‌ها هستند که هم پیشرفت و هم چرخه‌ زمان به‌وسیله آنها نشانه‌گذاری می‌شود. برخی از آنها مستلزم میدانی برای تماشا و برخی دیگر کوچک و شخصی هستند و مخاطبی جز حاضران ندارند، برخی اجباری‌تر از بقیه و بعضی داوطلبانه‌تر از دیگر موارد هستند، برخی کاملاً رسمی و بعضی دوستانه و غیررسمی‌اند. اینها آیین هستند و آیین‌ها خصلت‌های اساسی زندگی اجتماعی در هر جامعه شناخته شده‌اند.

۱-۲- نظم نمادین آیین؛ اجزاء ترکیب‌کننده تقریباً تمامی کنش‌های اجتماعی

شعائر و مراسم، از جمله مراسم مذهبی، به وضوح می‌توانند بدایت‌ها و نهایت‌ها را مشخص و آنها را به عنوان رخداد‌های متمایز در جریان کنش اجتماعی برجسته کنند. علاوه بر این، عناصر آیینی‌ای وجود دارد که در اغلب کنش‌های اجتماعی، آن هم بیشتر به عنوان خصلت کنش و نه به عنوان ویژگی حادثه‌ای مستقل از کنش، به چشم می‌خورد. بنابراین، آیین می‌تواند شیوه و طریق انجام امور و نیز گونه‌ای از انجام امور، شیوه کنش اجتماعی، یک خصلت یا جنبه‌ای مربوط به سبک کنش اجتماعی باشد. این امر به سهولت در گفتگوی رسمی بین فرادستان و فرودستان در سازمانی کاری دیده می‌شود، اما می‌توان آن را در رابطه عشاق، دوستان و بیگانگان نیز مشاهده کرد. در واقع در هر مواجهه اجتماعی، علائم مشخص‌کننده‌ای برای تعیین هویت و نیت طرفین رابطه اجتماعی وجود دارد که به گونه‌ای قراردادی و قابل فهم برای دیگر افرادی که عضو آن فرهنگ هستند، در آن رابطه اتفاق می‌افتد. لبخند یا ایما و اشاره، تقدیری دوستانه را مشخص می‌سازد؛ لباس سفید متحدالشکل متعلق به پرستاران است؛ لباس حرفه‌ای رفتار تجاری را تسهیل می‌کند؛ کسی که «پشت میز» نشسته، مسئول است. این علائم مشخص، طی یک مواجهه یا منظومه‌ای از برخوردها هجی می‌شوند، چندان که تجمع این مراعات کردن‌ها ویژگی‌های قابل تشخیصی را به وجود می‌آورند، تجمع

مراعات کردن‌های مشابه از سوی افراد مختلف نقش‌های مشخصی را می‌سازند، تجمع نقش‌های مختلف، سازمان‌های اجتماعی قابل تشخیصی را می‌سازد و این زنجیره به همین شکل ادامه می‌یابد.

این زنجیره نظام‌مند، نظم آیینی از تعامل‌ها را ایجاد می‌کند. این عنصر آیین در تجملات و آداب یک اداره، ابزارها و لباس‌های متحد الشکل، سبک شخصی، رفتار و سلوک، شیوه‌های گفتار و هر صورتی از عناصر نمادینی که برای ساختن یک زندگی به هم می‌یافیم، مورد تاکید است و در آنها ظهور پیدا می‌کند.

۱-۳- آیین به عنوان اسم و صفت

در این کتاب، تمایز بین آیین‌ها به عنوان رخداد‌های و جنبه‌های آیینی فعالیت‌های جاری، تعیین‌کننده خواهد بود. از طرفی آیین‌ها، شعائر و مراسم به مثابه حوادث متمایز، انواع مختلف فعالیت‌ها یا عینیت‌هایی اجتماعی هستند. از طرف دیگر، آنها جنبه‌های آیینی یا مراسمی فعالیت‌ها، فرآیندها و حوادث غیرمعمولی یا غیر روزمره به شمار می‌آیند. در ارجاع به دسته نخست، از آیین به صورت یک اسم و در ارجاع به دسته دوم از آیین به عنوان یک صفت استفاده می‌کنیم. چندین دانشمند علیه چنین استفاده متنوع از اصطلاحات آیین که بالقوه گمراه‌کننده است، موضعگیری کرده‌اند (برای مثال نک: گریمز، ۱۹۹۰: ۱۵-۹) با وجود این، تمایز ذکر شده در زمان ما جا افتاده و ابهام بالقوه آن با انعطافی کارا برطرف شده است.

جابجایی آیین به عنوان یک اسم، با آیین به مثابه یک صفت، نه تنها جابجایی در مرجع - از آیین به عنوان امور به آیین در حکم جنبه‌ای از امور - را ممکن می‌سازد، بلکه تحول در دیدگاه تحلیلی را میسر می‌کند. این امر به ما امکان می‌دهد تا ارتباطات را به مثابه یک آیین مطالعه کنیم، همان‌طور که ما را قادر می‌سازد تا درباره آیین‌های ارتباطی تحقیق نماییم. این امر به ما اجازه می‌دهد تا جنبه‌های آیینی تماشای روزمره تلویزیون را همانند وقایع و رخداد‌های رسانه‌ای ویژه مطالعه کنیم. تمیز آیین به عنوان اسم از آیین در حکم صفت به ما اجازه می‌دهد جنبه‌های آیینی ارتباطات بین‌فردی

روزمره را که به وسیله آنها روابط اجتماعی برقرار می‌شود، مطالعه کنیم؛ همان‌گونه که ما را قادر می‌سازد تا رخدادهای مراسمی‌ای^۱ که تغییرات اساسی در روابط اجتماعی را مشخص می‌سازد، مورد مطالعه قرار دهیم.

تفاوت‌های صوری بین آیین‌های رخداد ویژه^۲ و جنبه‌های آیینی فعالیت‌های عادی اجتماعی می‌تواند درخور توجه باشد، اگرچه هر دو عناصری از نظم اخلاقی زندگی اجتماعی هستند. هم آیین‌های رخدادهای ویژه و هم جنبه‌های آیینی فعالیت‌های عادی، بخشی از دنیای «بایدها» هستند. در مراسم عروسی (به عنوان آیین رخداد ویژه) و هنگام دست دادن (به مثابه جنبه‌ای آیینی از فعالیتی روزمره) قول می‌دهیم آنچه را که «باید» انجام‌دهیم، در مراسم تدفین و هنگام خداحافظی، به دیگران احترام می‌گذاریم، قول می‌دهیم که آنها را به یاد داشته باشیم و الزام به حفظ روابط را گردن نهم. در تعارفات روزمره، خود را در هیأت فردی بامشخصات تعریف شده عرضه می‌کنیم و قول می‌دهیم آن فرد باشیم، درست همان‌طور که می‌پذیریم رؤسای جمهوری منتخب، همان‌گونه عمل کنند که در مراسم تحلیف خود وعده می‌دهند. بنابراین، جنبه‌های آیینی فعالیت‌های عادی اجتماعی درست به اندازه آیین‌های رخدادهای ویژه و بزرگ، جدی هستند. در ارائه تعریف مورد نظر از نکته‌ی اخیر که هر دوشیوه استفاده از رفتارهای نمادین برای مشارکت در زندگی جدی هستند، استفاده خواهیم کرد.

۱-۴- راهبرد تعریفی

قلمرو آیین‌شناسی پدیده‌های متنوعی همچون دست دادن‌ها، تاجگذاری‌ها، نیایش‌ها، عروسی‌ها، رفتار دلدادگان و ایماء و اشارات عامیانه را دربرمی‌گیرد. همچنین توجه ما به شعائر رسمی بزرگ و کوچک، مراسم، بزرگداشت‌ها و گردهمایی‌ها را شامل می‌شود. به همین اندازه، به آیین‌هایی که در سطح اجتماعی خرد قرار می‌گیرند، توجه

1. ceremonial events

2. special event

داریم. این دسته شامل رفتارهای بین فردی، عرضه خود، نمادشناسی اقتدار، آداب اداری و کلیه روش‌های دیگری می‌شود که در آنها «آیین‌ها یک چه یا چیز نیستند [بلکه] یک جگونگی یا کیفیت هستند». (گریمز، ۱۹۹۲: ۱۳)

این توقع طبیعی است که برای تعریف آیین با چالش‌هایی مواجه شویم. آیین مقوله‌ای قابل تشخیص است، اما با مقوله‌های بی‌شمار دیگری از شعور عامه و نظریه اجتماعی مواجه شده و آنها را درهم می‌نوردد. نمونه‌های مورد بررسی در آیین‌شناسی از قلمروهای دین و دنیا، باستانی و نو، بومی و استعماری، سیاسی و شخصی، بی‌اهمیت و با اهمیت، بزرگ و کوچک، کار و سرگرمی، عمومی و خصوصی فراهم می‌شود و در هر فرهنگ ویژه به وسیله ادبیات ارتباط‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات تاریخی، ادبی و دینی در دسترس قرار می‌گیرد. آیین، همانند دیگر اشکال ارتباطات همه جا یافت می‌شود.

مفهومی که برای پوشاندن قلمرو وسیعی طراحی شده است، همچون آیین، در معرض این خطر قرار دارد که به گونه‌ای بی‌معنا انتزاعی باشد. تعمیم مفهومی با این تنوع ذاتی ممکن است چیزی جز مفهومی صوری بر جای نگذارد. با وجود این، آشکارا این کیفیت‌های شکلی هستند که آیین‌ها را از دیگر انواع کنش‌های اجتماعی متمایز می‌کنند؛ کیفیت‌های شکلی می‌توانند در کنش‌های انسانی (که به تنوع شایان توجه اهداف و معانی ذاتی در مجموعه‌ای ذاتاً متنوع اشاره دارند) تمیز داده شوند. در واقع، همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، شکل آیین، بخشی از معنای آن و برای اثربخشی آن، ضروری است. به همین دلیل تلاش‌های ما برای تعریف آیین، بیش از آنکه متوجه معانی، اهداف یا فرآیندهای آن شود، باید معطوف به شکل آیین گردد.